

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

ادغام افراط‌گرایی قومی با افراطیت مذهبی بکارگیری و استفاده از ابزارهای نامتعارف و پیامدهای آن شهروندان کشور و معضل خلای حکومتداری

پا گذاشتن "طالب"ها فراتر از اسلام و کتمان واقعیت‌ها
قانونمندی‌های رفتار و رفتارهای قانونمند
وابستگی‌ها باید به همبستگی مبدل گردد
افراط‌گرایی اجباری

افراطیت و بنیادگرایی از پدیده‌های است که در امتداد تاریخ بشری، بویژه در سه دههٔ پسین نظم جهانی را به چالش کشیده که با تأسف در این میان افراطیت دینی از آدرس مسلمانان در صدر مسأله و مباحث جهانی قرار دارد. افراطیت در حالی نظم جهان را درهم کوبیده است که رفاه و آسایش سکن گیتی وابسته بامنیت، همدیگرپذیری، تساهل و تسامح در میان اعضای آن است. تحرکات افراط‌گرایانه تحت عنوان دین، مذهب، قوم و قبیله، نجات منافع اقتصادی و غیره در طول تاریخ، رفاه و آسایش بشریت را تهدید نموده و منجر به جنگ‌های خانمانسوز و طولانی مدت بین مذاهب، اقوام و ایدئولوژی‌ها گردیده است که نمونه‌های بارز آن را در تاریخ جهان می‌توان مشاهده نمود. امروز اکثریت سرزمین‌های اسلامی مصروف جنگ‌های ظاهراً داخلی می‌باشند که قربانی آن درگول، مسلمانان اند. از جمله کشور عزیز ما افغانستان، بیشتر از چهاردهه بدینسو پایگاه و جایگاه چنین جنگ خانمانسوز است. این درحالیست که در اوایل سدهٔ ۲۱، سلسله تحرکات سازمان یافته تحت عنوان گویا "مبارزه با افراطیت" راه اندازی شد که همهٔ فعالیتها توسط رسانه‌های بین‌المللی و حکام کشورهای مقتدر، "مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی دینی" خوانده شد. این تحرکات تاکنون جان صد‌ها هزار انسان را گرفته است. شهرها و آبادیها بویرانی و نابودی کشانیده شد. تأسیسات و زیربنای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ملی نابود گردید.

بیشتر از چهل سال درگیری‌های مسلحانه، ویرانی و ب خاک و خون کشانیدن انسان‌ها، اینهمه خونریزی و ویرانی بخاطر چه بود، آیا ممکن بنظرمی‌رسد تا خرابی‌ها و ویرانی‌های چهل ساله را در مدت زمان اندکی آباد نماهیم؟ نه، بهیچوجه مقدور نمی‌باشد. وضعیت کنونی حاکم بر فضای کشور، محصول حضور چهل کشور دنیا و هزینة میلیاردها دلار است. وضعیت موجود و اوضاع جاری کشور، مدت‌ها قبل پیشبینی گردیده و حدس زده می‌شد. اصل همکاری در زمینه رفع وضع موجود و نجات افغانستان و شهروندان کشور از بحران حاضر باید در دستور روز قرار داده شود. حالت و وضعیتی که پس از تغییر رژیم در کشور حاکم گردیده، به مسأله مورد بحث و گفتگوی بسیاری از محافل و ناظران امور مبدل گردیده و بویژه نگرانی کشورهای همجوار را ببار آورده است. پس از فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشور ما و بقدرت رسیدن "طالب"ها، در سازمان ملل از وضعیت دراماتیک در کشور، همه‌گیر شدن بیکاری، وابستگی کشور بویژه به معاونت‌های بشردوستانه سخن گفته می‌شود. اما بگفته کارشناسان، تخمین‌های سازمان ملل در مورد وضعیت بحرانی حاضر، با واقعیت‌های موجود افغانستان همخوانی ندارد. وضعیت و شرایط کشور ما بحرانی‌تر و بدتر از گزارش‌های

یادشده می باشد. این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که پس از فراخواندن نظامیان امریکایی و ترک اراضی متعلق بکشورما، "طالب"ها بدون آنکه به مقاومتی موجه شده باشند، بسیاری از بخش های کشور را یکی پس از دیگری متصرف گردیدند. اشرف غنی که درمسند ریاست جمهوری کشور قرارداشت، افغانستان را ترک نموده و درامارات متحده عربی مسکن گزین شد. "طالب"ها درامتداد ماه اسد سال پار، از تسلط شان برتمامی اراضی قلمروکشور و ایجاد و تشکیل حکومت سرپرست خبر دادند، اما تاکنون هم هیچ کشوری ازاصل برسمیت شناختن حاکمیت یادشده لب ازلب نگشوده.

اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها، بحران بشری در کشور بشکل گیری آغاز نمود.

بربنیاد آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، بیشتر از نیمی از شهروندان افغانستان از گرسنگی رنج می برند. کمک ها و معاونت های بشردوستانه در حدود ۸۰ درصد از بودجه کشور را تشکیل می دهد. اما وجوه یاد شده نیز بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها، متوقف گردید.

"طالب"ها همزمان با بقدرت رسیدن در کشور، وعده سپردند که در امر مبارزه با زرع، کشت و قاچاق مواد مخدر فایق خواهند آمد، به بانوان کشور، حق کار و اجازه تحصیل خواهند داد، به خبرنگاران و اهل مطبوعات اجازه فعالیت های آزادانه، حتا حق انتقاد از عملکردهای دولت داده خواهد شد. اما تاکنون، یکی از وعده های داده شده هم درکشور عملی نگردیده است. نباید فراموش خاطرما گردد که بویژه درامتداد ۳۰ سال پسین، همه جهان خود را در امر مبارزه با مواد مخدر مشغول می پندارند. اما چنین اشتغالی، همه و همه بروی کاغذ باقی ماند، آنها مبارزه علیه مواد مخدر را اعلام نمودند، اما با "طالب"ها در زمینه یادشده توافق و تعاملی صورت نگرفته و اگر بگونه نمونه، اقدامی در زمینه مبارزه با آن صورت گرفته باشد، اقدامات محدود بوده که بر وضعیت موجود، اثرات آنچنانی بجا نخواهد گذاشت.

اما ایالات متحده و غرب، بدون در نظر داشت مصایب شهروندان کشور، سرمایه بانک مرکزی کشور را منجمد نموده، اصول بانکی کشور را از سیستم سوئیفت خارج نموده که در نتیجه حتا انتقال موارد نقدی پولی به شهروندان عادی کشور نیز میسر نمی باشد. وضعیت اینچنینی، شهروندان کشورما را در وضعیتی قرار می دهد که هیچگونه مدرک عایداتی نداشته و در فقر و تنگدستی دست و پا زنند. بنابراین، اما امریکایی ها و تمامی غربی ها، خواهی نخواهی، تولید و تهیه مواد مخدر را دامن می زنند. درمورد مسأله ای که بحقوق بانوان کشور به "طالب"ها ارتباط میگیرد، بایست خاطر نشان گردد که درزمینه موردنظر، اقدامات و عملکرد های یادشده بگونه کلی نهایت بطی و کند می باشد.

چنانچه قبلن نیز یاددهانی بعمل آمد که درپوهنتون ها نیز، آموزش و درس ها با تفکیک جنسیتی آغاز گردید. با بقدرت رسیدن "طالب"ها، فیصله بعمل آمد تا امکانات تحصیل و کار برای بانوان کشور صرف با رعایت حجاب و پوشاندن تمامی بدن و صورت ظاهری آنها مساعد و میسرگردد. درعین زمان، ورزش برای بانوان ممنوع اعلام شده است. انتقال بانوان بدون حجاب در وسایل حمل و نقل نیز مجاز نبوده و همچنان، بانوان نمی توانند در خارج از منزل بدون همراه محرم مرد، ظاهرگردند.

در مورد سرمایه منجمد شده بانک مرکزی کشور بایست یادآور گردید که مدتی قبل، بخش کوچکی از دارایی های یادشده آزاد گردید، اما در مقابل، همچنان در صدد آن شدند تا از نظارت "طالب"ها بر بانک مرکزی و چگونگی استفاده از دارایی های موجود بانکی نیز محدودیت هایی وضع نمایند، کاین در نوع خود یک الزام سرمایه گذاری بشمار می آید. اما چنین اتفاقی از قوه بفعول مبدل نخواهد گردید.

امریکایی ها، اصلن واقعیت شکست جنگ در کشورما را فراموش نموده اند. آنها چون در محاربه شکست خورده اند، بنابراین، از چنین حقی مستفید نمی گردند تا بمنظور تسلیم، شرط گذاری نمایند. نباید فراموش نمود بویژه زمانی که بانک مرکزی و دخل و خرج کشورما تحت اداره و رهبری دولت خارجی قرار داشته باشد، در نوع خود، بزرگترین تحقیر و خوارشمردن حاکمیت ملی کشور محسوب می گردد. بنابراین، وضعیت یادشده موردتدید "طالب"ها قرار گرفت. چون، اگر بانک مرکزی کشور استقلالیت خود را از دست داده و تحت اداره مستقیم امریکایی ها قرار داده شود، بنابراین آنها (امریکایی ها) چنین تصور خواهند نمود ک آنها با استفاده از طرق و وسایل مختلف قادر خواهند شد تا تحت عنوان کمکها و معاونت های بشردوستانه و موارد دیگری که در نظر دارند، مبلغ ۹,۵ میلیارد دالرسرمایه بانک مرکزی کشور را بنحوه دلخواه بمصرف رسانند.

بایست یادآور گردید که بخش آزاد شده سرمایه یاد شده، بمتابۀ قطره ای از بحر پنداشته می شود. چنین وضعیتی بخودی خود، برفع بحران بشری موجود در کشور، هیچگونه کمکی نخواهد نمود. بسیاری ها هم چنین می پندارند که هنوز خیلی زود است تا شاهد انکشاف تازه در مورد بود.

نباید فراموش نمود که "طالب" ها با مجموعه ای از الزامات جهانی و فراتراز همه، با اصل فراگیر بودن قومی - سیاسی دولت مواجه می باشند. در مجموعه تشکیلات دولت، نماینده های گروه های قومی دیگری موجود می باشند، اما آنها همه اعضای تحریک "طالب" ها بوده و در شرایط و وضعیت کنونی از سهمگیری سایر گروه های سیاسی - اجتماعی اصلن سخنی در میان نمی باشد. در اینجا از شخصیت های خاصی نام برده نمی شود، آنها خود شان در اینمورد باید سخن گویند. این اولن، درگام دوم، خواهان تطبیق عملی و در نظر داشت نورم های اساسی حقوق بشری در کشوری باشیم. البته در مورد مسایل حقوق و آزادی های بانوان، بویژه حق کار و دسترسی به تحصیل آنها بمتابۀ شهروندان متساوی الحقوق جامعه افغانی باید یاد آور شد که هیچکسی و هیچکدام نیرویی نباید مخالف تأمین حقوق و امتیازات یاد شده با در نظر داشت سنن فرهنگی و ضابطه های دینی و مذهبی موجود در کشور باشد.

بایست یادآور شد که در کشور عزیز ما افغانستان، بسیاری از سنن فرهنگی و مذهبی منحصر بفردی مشابه با کشور های عربی و اسلامی عملن موجود می باشد. آیا موضوع یاد شده بنحوی از انحاء قابل حل و فصل می باشد؟ در اینباره می توان بگونه نمونه از کشورهای دیگری نیز نام برد، چه، اگر در موارد ذکر شده، اقدامات عملی شتابنده ای صورت عملی بخود اختیار ننماید، شرایط و وضعیت عمومی بمنظور برسمیت شناختن "طالب" ها با موانعی مواجه خواهد گردید. در شرایط و وضعیت کنونی، در مورد تشکیل و ایجاد دولت فراگیر، اقدام قابل لمسی اصلن بمشاهده نمی رسد. اما امیدواری هایی در مورد موجود می باشد. علاوه بر باورها و امیدواری های ما که بگونه کلی در قالب کلمات اظهار می گردد. اما واقعیت های اجتماعی عملن موجود بوده و بایست بهمه ی آنها آنچنانکه هستند، ارزش قابل گردید.

"طالب" ها اگر در شرایط نه تنها کمبود منابع مادی و معاونت های بشردوستانه بلکه با غیبت معاونت های اقتصادی خارجی، خواهان تداوم حاکمیت و علاقمند اداره ورهبری کشوری باشند، در چنین وضعیتی، باحیای مجدد بخش ها و موارد حیاتی حاکمیت کنونی، بایست سعی بعمل آید. اما در وضعیت دشوار کنونی در مورد یاد شده اصلن نمی توان سخن گفت. عامل یاد شده را بگونه جدی باید در نظر داشت. چه، اگر عقل سلیم و احساس بمفهوم وسیع کلمه وجود داشته باشد، آنها ناگزیر باتخاذ تصامیم و انجام اقدامات عملی و لازمی خواهند گردید.

در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح میگردد کآیا زمان آن فرا رسیده تا "طالب" ها از فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل حذف گردند؟ بسیاری ها چنین می پندارند که زمان و لحظه چنین اقدامی گام بگام نزدیک می گردد، اما نباید فراموش نمود کانجام چنین امری بسته به برداشتن گام هایست که در فوق از آنها تذکر بعمل آمد. البته عمده ترین شرط های مطرح شده از جانب جامعه جهانی، اصل فراگیر بودن حاکمیت و رعایت و احترام به حقوق اساسی بشر بحساب می آید. "طالب" ها بدلیل انجام عملیات جنگی و تداوم درگیری های مسلحانه ۲۰ سال پسین، شامل فهرست تحریم های سازمان ملل گردیدند. تصمیم یاد شده، قبلن اتخاذ گردیده و اکنون با پیامد های آن مواجه می باشند. بر بنیاد دلایل گفته آمده و بدلیل اعمال انجام شده، "طالب" ها تاکنون هم در فهرست یاد شده جا داده شده اند. زمان اصلن متوقف نمی گردد و "طالب" ها هم در امتداد زمانی معینی، مسایل زیادی را آموختند، آنها خودشان را بمتابۀ جزیی از حرکت های جهادی بین المللی پنداشته و اجرای عملی برخی از برنامه های مورد نظر را در دستور کار خویش قرار دادند. اما قابل تذکر پنداشته می شود که کوچ کشی و نقل مکان نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما به محلات و مناطق مورد نظرشان، در کشور ما شرایط و وضعیتی را ببار آورد که بیش از هر زمان دیگر، اوضاع را بمنظور شکل گیری و ذایش تهدیدهایی مساعد و مهیا نمود.

نباید فراموش نمود که "طالب" ها در مقایسه با دولت قبلی فراری، علیه "داعش" بمفهوم واقعی کلمه مبارزه نموده و از این رهگذر تلفاتی را نیز متحمل گردیده اند. اما در شرایط و وضعیت نبود و کمبود موارد مادی و توقیف دارایی های بانک مرکزی کشور، در امر تداوم مبارزه مؤفقانه علیه "داعش"، موانعی ایجاد می گردد، حتا آنها نمی توانند حقوق نظامیان شان را که علیه "داعش" در حال نبرد و درگیری های مسلحانه می

باشند، بموقع بپردازند. بازهم رویکردهای دوگانه و مملو از منافقت. اما بمنظور مبارزه وسیع و همه جانبه، موجودیت امکانات و زمینه های مساعدی در مورد یادشده حتمی و ضروری پنداشته می شود. بر بنیاد عملکردها و نحوه موضعگیری های ایالات متحده، چنین بنظر می رسد که اداره و آشننگتن به توسعه و گسترش دامنه انتقام گیری هایش همچنان ادامه می دهد. بویژه در امتداد هفته های پسین، درگیری های مسلحانه میان "طالب"ها و "داعش" عواقب غیر منتظره ای را بدنبال خواهد داشت که ادامه چنین وضعی، سبب تداوم نا امنی و گسترش عدم امنیت در سراسر کشور خواهد گردید.

در اینمورد چنانچه قبلاً گفته آمدیم در عین زمانی کآنها باهم درگیر نبردهای مسلحانه می باشند، موارد دیگری نیز موجودند که بآنها باید پرداخته شود، از جمله یکی هم اینکه، زمانی هم "طالب"ها مانع پیشروی ها و تداوم عملیات تهاجمی "داعش" علیه کشورهای همجوار بویژه در شمال کشور گردیدند. علاوه بر آن، چنین تصویری نیز موجود بود کایالات متحده در اینمورد اطلاعات کافی در اختیار داشت که پس از خروج نظامیان آن کشور از ارضی افغانستان، وضعیت اسفناکی بر کشور چیره خواهد شد. امریکایی ها سعی می ورزند تا وضعیت و شرایط را بمنظور تقویت مواضع مخالفان "طالب"ها بیش از پیش مهیا کرده، آنها را مسلح نموده و زمینه تداوم مبارزه علیه "طالب"ها را مساعد نمایند. بسخن دیگر، آنها سعی می ورزند تا زمینه های جنگ داخلی در کشور ما را، بویژه بدلائل صرفن قومی شعله ور نمایند، کاین خود در واقع خطر آفرین محسوب می گردد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که کشورهای همجوار افغانستان، بویژه از خطرات و تهدیدهای احتمالی موجود در امتداد مرزهای شان با افغانستان هشدار داده اند. حوادث و وقایع تکوین پذیرفته در کشور قزاقستان طی ماههای پایانی سال پار ناشی از فعالیت ها و عملکردهای جنگجویان افغان پنداشته شد. اما همچنان تذکر بعمل آمد که نباید این حقیقت از نظر دور نگهداشته شود که بر بنیاد اطلاعات موجود، چنین حدس زده می شد که پس از خروج نظامیان امریکایی و بقدرت رسیدن "طالب"ها، عده ای از افغان های مهاجر در کشور قزاقستان پناهنده شده و بگمان بسیاری از ناظران امور، اغلب افراد یادشده شاید حتا صرفن بدلائل خود خواهانه، وضعیت یادشده را فرصت مناسبی پنداشته و در عملکردهای اینچنینی سهم فعال ورزیدند.

در مورد چشم انداز پیوستن هند و ایران به روند یادشده باید افزود که ایران بمنظور شرکت در چنین نشستی دعو تنامه دریافت نموده اما بدلیل شرکت نماینده ایالات متحده در کار نشست، از سهمگیری در آن ابا ورزید و اما کشور هند آمادگی اش را در مورد اظهار نمود.

شنبه ۲۸ ماه جوزای سال ۱۴۰۱ خورشیدی